

## دست پوتین در امر نجات اوکراین

شهر افسانوی کیف با گنبد های طلایی اش افتاده در کنار بستر رودخانه زیبای دنیپر در حقیقت گهواره تمدن قدیم روسیه و زیبا ترین پایتخت کشورهای اروپای شرقیست. کیف شهر آرام و شگوفان دارای صدها رستوران آرامش بخش , جاده های نظیف و شسته شده, پارکهای زیبا و رود خانه ای با زیبا یی بی مانند است.

گر چه آمار اقتصادی اوکراین را ورشکسته و سطح زندگی اهالی آن را نه بهتر از کشور های افریقایی نشان میدهد اما در حقیقت امر چنین نیست. آنهم به دلیل بی پروایی مالی غیر مسوولانه حکومت که پیوسته قرضه میگیرد و آزادانه مصرف میکند: یارانه های بزرگ به سکتور ساختمان رهاشی, اقدامات گستاخانه بخاطر جلو گیری از کاهش ارزش واحد پول ملی وعدم مراعات ریاضت های لازم اقتصادی , کشور را به لب پرتگاه نابودی اقتصادی کشانید, سقوط برای امروز و فردا پیش بینی میشود. و یکی از دلایل نا آرامیهای اخیر هم همین بود. کشمکشها میان شرق و غرب بخاطر رقم زدن آینده اوکراین, در طول یک ماه گذشته , با یک برآمد سیاسی پیروز مندانه ولادیمیر پوتین خاتمه یافت که بر پیروزی هایش در سوریه و ایران افزوده شد.

مشکل از آنجا آغاز شد که پرزدنت یاکونووویچ بخاطر تجدید برنامه ریزی وامها یش و رفع نواقص در سیستم اقتصادی کشور بازیه درخواست قرضه ها روی آورد, اما جواب مثبت به دست نیاورد. و اوکراین به کمک جامعه اروپایی روی آورد. جمهوری فدرالی آلمان و پولند نا امیدی و فرو افتاده گی کشور را دیده موافقتنامه مشارکت شدیداً سختگیرانه را برایش پیشنهاد کرد. جامعه اروپایی با کشورهای اروپای شرقی عضو خویش, بی نهایت سختگیر است. سیاست اقتصادی جامعه اروپایی, صنعت و زراعت کشورهای چون لتوانیا, رومانیا, بلغاریا و دیگران را به دلیل اینکه در جامعه اروپایی قابلیت رقابت را ندارند نابود کرد, جوانان این کشورها امروز در اروپای غربی وظایف چاکرها را انجام میدهند.

وسطح زنده گی اهالی این کشورها به سطح زنده گی قبل از جنگ جهانی دوم تقرب کرده است.

اما موافقتنامه مشارکت با اوکراین سختگیرانه تر از سایر کشور های اروپای شرقی بود. و این کشور را به یک مستعمره فقیر جامعه اروپایی مبدل میساخت به ترتیبی که حتی امتیاز عضویت جامعه اروپایی که بر مبنای آن رفت و آمد آزادانه اوکراینی ها به کشور های اروپایی میسر میشد، در موافقتنامه رد شده بود. اما با آنهم یانوکوویچ درمانده به امید اینکه قرضه کافی بدست آورده از فاجعه اقتصادی جلوگیری کند، حاضر بود تا موافقتنامه را امضا کند. اما اروپا امروز در اعطای قرضه ها دست باز ندارد، و اولاً باید برای یونان، ایتالیا و هسپانیه پول تدارک ببیند.

درین اثنا روسیه که از برکت ذخایر نفت خود پول وافر در دسترس دارد داخل معامله شد. گرچه مناسبات دول روسیه و اوکراین زیاد خوب نیست اما روسیه بزرگترین بازار فروش تولیدات اوکراین است.

امضای قرار داد مشارکت از جانب اوکراین با جامعه اروپایی برای روسیه مشکل ساز بود: اوکراین تولیدات خود را به تعرفه گمرکی بسیار پایین در روسیه به فروش میرساند از جانب دیگر سرحدات بین دو کشور خیلی پُر منفذ بوده و مردم بدون پاسپورت رفت و آمد میکنند، در صورت امضای این موافقتنامه تولیدات جامعه اروپایی نیز در روسیه سرازیر خواهند شد. بنام پوتین به یانوکوویچ یادآور شد در صورتیکه وی موافقتنامه را با جامعه اروپایی امضا کند روسیه قیمت های نفت و گاز را بالا میبرد که دست کم چارصد هزار کارگر را در اوکراین فوراً بیکار میسازد. به این ترتیب یانوکوویچ در آخرین لحظات از امضای موافقتنامه با جامعه اروپایی منصرف شده تصمیم خود را عوض کرد.

معلومست که جامعه اروپایی و ایالات متحده ازین تصمیم ناراحت و بر آشفته شدند زیرا علاوه از منافع بالقوه اقتصادی اهداف مهم دیگری را نیز در نظر داشتند، اول اینکه آنها میخواهند روسیه را هرچه دورتر از اروپا قرارداداده بحیث یک کشور ضعیف نگهدارند. واضح است که روسیه دیگر اتحاد شوروی نیست اما قسماً مقاومت دوران شوروی در مقابل طرحهای جهانی غرب هنوز در ماسکو دیده میشوند. آنچه مربوط به اوکراین میشود روسیه نمیتواند بدون اینکه این کشور را در کنار خود داشته باشد یک دولت نیرو مند باقی بماند. لہذا برای روسیه مهم است تا یک اوکراین با ثبات شگوفان و قوی را بحیث هم پیمان در کنار خود داشته باشد و برای این هدف هر کمکی را انجام دهد.

آنچه غرب میخواهد اینست که یک اوکراین بی ثبات، وابسته، فقیر و در نتیجه مطیع، با چند پایگاه ناتو را زیر دست داشته باشد تا بتواند اهدافش را در منطقه پیاده کند.

غرب که از چرخش در تصمیم یانوکوویچ بر آشفته شده بود برای مدت یک ماه طرفداران خود را با تمام قوت بسیج کرده و شهر کیف با هجوم تظاهر کنندگان که از اطراف و اکناف اوکراین با اوتوبوس ها آورده میشدند، به محاصره کشانده شد. که البته با خشونت کمتری یک بهار عربی کوچک را به نمایش گذاشتند.

به این ترتیب اوکراین به میدان نبرد میان ایالات متحده و متحدین از یک سو و روسیه نو به پاخاسته از جانب دیگر مبدل شد. آیا درین نبرد او با ما انتقام شکستش در سوریه را خواهد گرفت یا اینکه ضربه محکم دیگری بر هژمونی به افتاده ایالات متحده وارد خواهد آمد.

صفبندی در جامعه اوکراین به «طرفداران غرب» و «طرفداران شرق» ناشی از عدم تجانس اتنیکی جامعه است. اوکراین مانند یوگوسلاویا قبلی متشکل از مناطقی است که در پیوند های شل و غیر مستحکم بهم وصل شده کشور است که بعد از ختم جنگ جهانی اول تشکل یافته است و در سال ۱۹۹۱ بعد از فرو ریزی اتحاد شوروی به استقلال رسید. بعضی از قسمتهای این «اوکراین» ۵۰۰ سال قبل شامل خاک روسیه شده بود، بخش دیگر که اسم منطقه اوکراین را بر سر داشت ۳۵۰ سال قبل با روسیه یکجا شد، در حالیکه اوکراین غربی که بنام «مناطق شرقی» یاد میشد در سال ۱۹۳۹ توسط ستالین بدست آورده شد، و در سال ۱۹۵۴ کریمیا توسط خروسچف به جمهوری شوروی اوکراین علاوه گردید.

بعد از استقلال، رهبران اوکراین پروسه ملت سازی را روی دست گرفته تلاش دارند تا یک زبان واحد و یک اسطوره ملی را برای ۴۵ میلیون باشنده گان کشور ایجاد کنند. گروه مظاهره کننده گان عمدتاً (نه همه) از منطقه گالاسیا Galacia آورده شده بودند. گالاسیا شهرستان کوهی در ۵۰۰ کیلومتری شهر کیف و همسرحد با پولند و مجارستان موقعیت دارد. در وقت تظاهرات، اهالی کیف میگفتند که «میدان توسط گالاسیایی ها اشغال شده است».

گالاسیایی ها ناسیونالیست های خشن و تند خوی استند وقتی منطقه شان برای قرنهای زیر اثر پولند و اطیش بود و چون یهودیان ثروتمند بودند آنها موضع شدیداً ضد یهود و ضد پولندی داشتند.

هویت تازه آنها در پشتیبانی از هیتلر در جنگ جهانی دوم و نسل کشی ایتنیک پولندی ها و یهودیان همشهری شان نمایان گردید. بعد از جنگ جهانی دوم جنگجویان گالاسیایی طرفدار هیتلر، توسط استخبارات ایالات متحده جمع آوری و مسلح شدند تا جنگ چریکی را علیه شوروی براه اندازند به این ترتیب نفرت ضد شوروی را هم در دل جا دادند و «جنگ های جنگلی» را تا سال ۱۹۵۶ دوام دادند.

وقتی در ۱۹۹۱ اوکراین مستقل گردیده ساختن یک هویت ملی روی دست گرفته شد تحسین عمومی از گالاسیایی ها بحیث اوکراینی های اصیل و کسانیکه همیشه طالب استقلال بوده اند در سرتاسر کشور آغاز شد. زبان آنها بحیث اساس زبان جدید ملی قبول شده و عنعنات شان در سطح دولتی مورد تقدیس قرار گرفت تا سر حدیکه مجسمه های رهبران نسل گش هیتلری گالاسیایی هریک **Stepan Bandera** و **Roman Shukhevych** در سرتاسر اوکراین از جانب ناسیونالیست ها سر بلند کردند. تا اینکه صدای احتجاج سایر اوکراینی ها بالاشد.

گالاسیایی ها در انقلاب نارنجی ۲۰۱۴ نیز نقش مهمی را ایفا کرده موجب شدند که نتایج انتخابات باطل اعلان شود و **Yuschenko** (طرفدار غرب) به قدرت دست یابد.

گرچه تعداد زیاد شهریان کیف نیز از یاشنکو، به امید یک آینده درخشان در اتحاد با اروپا، حمایت کردند اما پشتیبانی شهریان از تظاهرات سال گذشته بسیار کم رنگ بود، آنها از ضایعاتیکه تظاهر کننده گان به شهر وارد آوردند (غارت مغازه ها و عمارات قطعه کردن درختها بخاطر سوخت، تخریب پارکها.....) شکایت کردند. اما شهر کیف یک شهر مصرفی باقی مانده است، شهر به مرکز **NGO** ها مبدل شده و شخصیت های علمی و روشنفکران شهر از سخاوتهای امریکا و جامعه اروپایی برخوردارند

آنچه به زون شرق و جنوب شرق اوکراین مربوط میگردد، مردم پیشنهاد مشارکت اروپا را یکسره رد میکنند. این ناحیه ذغال سنگ، فولاد، ماشینهای متنوع، موتر، هواپیما و تانک و راکت (موشک) تولید میکند و پیشنهاد اروپایی را که بوضاحت اذعان میدارند، روی صنعت اوکراین یک دم خط بطلان میکشد منسوخ می شمردند. حتی پولند که به مشکل میتوان آنرا یک نمونه انکشاف صنعتی نامید، جرات کرد به اوکراین بگوید: ما کادر رهبری صنعت را به دوش میگیریم بهتر است شما در بخش زراعت سرمایه گذاری کنید. متخصصین اوکراینی تخمین کرده اند که با داخل شدن در جامعه اروپایی تا مبلغ ۱۵۰ میلیارد اورو به اوکراین ضایعه خواهد رسید.

به نظر گالاسیایی ها مشارکت با اروپا یک امر بسیار مفید است. سخن گوی شان خطاب به جوانان در یکی از روز های تظاهرات گفت: آنوقت شما مینوانید به هر جایی که بخواهید آزادانه رفته و پول کمایی کنید. در حالیکه اعطای ویزه برای دریافت یک کار مناسب در قرارداد پیشنهادی جامعه اروپایی برای اوکراین، مد نظر گرفته نشده است. زیرا بازار کار جامعه اروپایی دیگر تحمل یورش کارگران اروپای شرقی را ندارد. همین اکنون انگلستان به علت یورش کارگران پولندی میخواهد از جامعه اروپایی بیرون آید.

وقتی در کیف موج تظاهرات در خروش بود کشورهای غربی ماموران مخفی و حتی وزرا و نماینده گان پارلمان خود را فرستادند تا با مردم «مرگ بر رژیم» و «آفرین به مظاهره کننده

گان» رافریاد زنند، به یانوکوویچ فرمان میداند که استعفاً دهد تا یک نظام ظرفدار غرب بر قرار گردد. سناتور مک کین به کیف آمد و بیانیه های آتشین ایراد نمود، مقامات غربی اعلان کردند که یانوکوویچ بخاطر اعتراض این تعداد از شهروندان دیگر «مشروعیت» ندارد. اما وقتی ملیونها مظاهره کننده در جاده های کشورهای اروپایی میریزند هیچ کسی نیست که مشروعیت زمامداران آنها را زیر سوال برد.

Victoria Nuland دستیار وزیر خارجه امریکا آمد به سرمایه داران اوکراینی ابلاغ کرد که یا از داعیه اروپا پشتیبانی کنند یا اینکه بزنس آنها متضرر خواهد شد. سرمایه داران اوکراین خیلی ثروتمند

اند، آنها ترجیح میدهند که اوکراین در همین حالتی که هست، یعنی درست میان شرق و غرب، قرار داشته باشد. از جانب دیگر هراس داشتند که اگر کمپنی های روسی سرمایه های خود را از اوکراین خارج سازد با وجودیکه میدانستند که آنها قابلیت کافی رقابت را ندارند و نمیتوانند در اروپا رقابت کنند اما مجبور میبودند شامل اتحایه گمرکی اروپا شود. به این ترتیب اصرار خانم نولاند نزدیک بود کارا افتد و سرمایه داران اوکراین به طرف اروپا بلغزند.

یانوکوویچ با مشکل جدی روبرو بود، فاجعه هر روز نزدیک تر میشد، وی مخالفین را رنجانده و طرفداران خود یعنی اهالی شرق و جنوب شرق را تخریش کرده بود، خطر آن میرفت تا اوکراین در انارشی مطلق فرو رود. درین وقت حزب ناسیونالیست راست افراطی Svboda ((آزادی)) با استفاده از بحران عمومی برای احراز قدرت آماده گی میگرفت. و کشورهای اروپایی روسیه را با یکصدا محکوم و تهدید میکردند که در اوکراین اعمال فشار میکند. درین وقت موشکهای روسی از بلندی های جنوب روسیه که فقط از برلین چند دقیقه فاصله پرواز داشتند، سر بلند کردند و نیرو های مسلح روسیه ستراتیژی «ضربه اول خلع سلاح کننده» ایالات متحده را به مطالعه گرفتند. خلاصه که تنش به اوج خود رسید.

Edward Luca اقتصاد دان شهیر و نویسنده «جنگ سرد جدید» که در ضد روس بودن خود از جنس چرچل و ریگن است مینویسد «که به نظر وی روسیه یک دشمن است بی تفاوت از اینکه از طرف تزار، ستالین و یا پوتین رهبری شود. اگر اوکراین جانب غرب را اختیار کرد در آن صورت کار پوتین، رژیمش و قلمروش ختم است. برعکس اگر اوکراین در چنگال روسیه باقی ماند چشم انداز غم افزا و خطرناک خواهد بود و امنیت اروپا در مخاطره قرار خواهد داشت. ناتو همین اکنون در تلاش است تا کشور های بالتیک و پولند را در برابر اتحاد و موثریت روز افزون قوت های مسلح روسیه و بلاروس حمایت کند اگر اوکراین هم درین اتحاد شامل شود در دسر به کابوس مبدل خواهد شد.»

در این وقتیکه فاجعه به در میکوفت پوتین یک اقدام پیشگیران کرد. در یک ملاقات در کرملن پوتین قبول کرد که به بهای ۱۵ میلیارد اویرو اوراق قرضه اوکراین را خریداری کند و در عین حال قیمت فروش گاز طبیعی به اوکراین را به یک سوم پایین آورد. این تصمیم بدان معنا بود که از سقوط در بحران اقتصادی جلوگیری شد. زمینه برای امیدهای حزب نیونازی از بین رفت، و اوکراینی ها درین جشن روز اول سال نو در خانه های گرم به سر خواهند برد. مهمتر از همه هر دو جانب موافقه کردند همکاری صنعتی را از بنیاد بازننگری کرده توسعه دهند.

گرچه اتحاد اوکراین و روسیه مطرح نیست و مشکلات زیاد در میان وجود دارد: پوتین و یانوکوویچ با هم دوست نیستند، رهبران اوکراین متمایل به گول زنی و فرصت طلب اند. و ایالات متحده و اروپا منابع خیلی بزرگ در اختیار دارند اما اگر هر دو با هم اتحاد کنند برای خلقهای هر دو کشور و آنهایی که میخواهند از زیر سیطره هیژیمونی امریکا بیرون آیند بسیار خوب خواهد بود.